



سرگذشت مقاله تحلیلی "سخنی با همه توده‌ای‌ها"

بسیاری در آستانه نیمه دوم سال ۷۳ با نشان دادن واکنش‌های متفاوت و ناباوارانه نسبت به تحلیل نورالدین کیانوری از اوضاع ایران (که با امضای "آ.ک" در راه توده و تحت عنوان "سخنی با همه توده‌ای‌ها منتشر شد) نخواستند و یا نتوانستند تغییر شرایط و زمینه‌های تحولات امروز جامعه ایران را ببینند. برخی‌ها نویسنده این تحلیل را که بصورت جدی خواهان حمایت از نیروهای چپ مذهبی شده و ادامه شعار "طرد ولایت فقیه" و طرفداری از "کنده شدن چپ از حاکمیت در آینده نزدیک" را شعار و سیاستی غلط و ناهم‌آهنگ با شرایط موجود ارزیابی کرده بود، متهم به کشیدن چک بی‌محل کردند. (سیر حوادث در انتخابات مجلس پنجم، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس ششم، نشان داد که این چک بی‌محل نبود!)

کیانوری در بخش دوم تحلیل خود، در اشاره به همین استدلال‌ها نوشت، کسانی که او و ضرورت حمایت از چپ مذهبی در حاکمیت را متهم به کشیدن چک بی‌محل می‌کنند، در واقع شعور خودشان را با وی مقایسه می‌کنند! حتی انتشار بخش دوم این تحلیل نیز نتوانست آنتهائی را که به بیراهه می‌رفتند، از خواب بیدار کند. اعلام "تحریم انقلابی" انتخابات مجلس پنجم بر پیشانی بسیاری از نشریات، از جمله "نامه مردم" جای گرفت.

شکست تحریم انتخابات مجلس پنجم و تمام افشاگری‌های علنی و توضیحات شفاهی راه توده برای جلوگیری از ادامه سیاست جدا از توده‌ها به جایی نرسید و نزدیک به یکسال بعد، سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - رسماً و نشریه "نامه مردم" تلویحاً، این انتخابات را تحریم کردند. نشریه "نامه مردم" در یک دهن کجی آشکار نسبت به واقعیات جامعه ایران و در آخرین شماره‌ای که پیش از انتخابات ریاست جمهوری دروه هفتم منتشر شد، با تحریم غیر مستقیم این انتخابات نوشت:

«هدف این انتخابات - یعنی انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم - مانند انتخابات پنجمین دوره مجلس، از دیدگاه جناح‌های حاکمیت و سران رژیم، تأمین شرایط برای حفظ و ثبات بخشیدن به رژیم "ولایت فقیه" و موجه نشان دادن آن، از طریق کشاندن اقشار وسیع مردم به پای صندوق‌های رای است...» (نامه مردم، ۱۶ اردیبهشت ۷۶)

نتیجه انتخابات و پیروزی محمد خاتمی سنگین‌ترین آواری بود که بر سر این نشریه و دیگر تحریم‌کنندگان انتخابات فرود آمد، اما آنها که مسبب فرود این آوار بودند بجای درس گرفتن از واقعیت و بحث و تبادل نظر و گشودن باب گفتگو با "راه توده" بعنوان یگانه نشریه‌ای که انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم و مجلس پنجم را دقیقاً تحلیل و بر ضرورت شرکت همه جانبه در آن تأکید کرده بود، ستیز را با راه توده باز هم تشدید کردند.

بهم ریختن موازنه نیروها در حاکمیت و نقشی که چپ مذهبی و کارگزاران سازندگی توانستند در هر دو انتخاب مجلس پنجم و ریاست جمهوری دوره هفتم ایفاء کنند، عملاً مهر باطل بر پیشانی آن سیاستی زد که در نشریات وابسته به سازمان‌های تحریم‌کننده انتخابات از جمله نشریه "نامه مردم" - دنبال می‌شود. اما کسانی که این سیاست را دنبال می‌کنند و قادر به درک اوضاع ایران و ضرورت گسترده‌ترین اتحادهای اجتماعی از یکسو و ضرورت وحدت همه نیروهای حزبی نیستند، این بار چون نمی‌توانستند به شعبده‌بازی بیرون کشیدن جملات بریده بریده از داخل مقاله تحلیلی کیانوری، راه توده را متهم به حمایت از فرسجانی و یا فراموشی قتل عام زندانیان سیاسی کنند، بازار شایعه و تهمت را علیه راه توده رواج دادند.

همین عده برای شانه خالی کردن از زیر بار انواع سئوالات، پیرامون مطالب مندرج در مقاله تحلیلی نورالدین کیانوری، کیانوری را شخصیتی درهم شکسته و در اختیار وزارت اطلاعات معرفی کردند. اتهامی، که مطالب و استدلال‌های مندرج در مقاله کیانوری، خود بهترین پاسخ به این نوع بافته‌های ذهنی است!

در تمام این دوره، راه توده بنا به ملاحظات امنیتی و خطراتی که می‌توانست برای نورالدین کیانوری بوجود آید، این شایعات را شنید و سکوت اختیار کرد.



اینکه کیانوری با استفاده از کدام امکانات و فرصت‌ها توانست چنین سندی را بنویسد و به خارج از کشور برساند و در اختیار راه توده برای انتشار بگذارد، پیش از آنکه بستگی به زیرکی ماموران اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی (از قماش سعید امامی‌ها و دیگران) داشته باشد، به تیزهوشی و احساس مسئولیت کیانوری برای استفاده از هر امکانی برای تأثیرگذاری در تصحیح سیاست حزب و حضور در کنار مردم و جنبش آنها بازمی‌گردد. او تجربه بزرگی را پشت سر گذاشته بود و شامه بسیار پر قدرتی برای تشخیص سره از ناسره داشت!

کیانوری بارها و بارها در هر فرصتی که پیدا کرد، گفت و نوشت که من از کوچکترین فرصت‌ها برای مطرح کردن حزب و پاسخ به مخالفان حزب و اتهاماتی که به آن می‌زند استفاده کرده‌ام، از جمله در کتاب خاطرات و کتاب گفتگو با تاریخ و حتی مصاحبه‌های مطبوعاتی.

اکنون مشخص شده است، که غیر از نامه زیرکانه‌ای که خطاب به رهبر جمهوری اسلامی در سال ۶۸ نوشته و نسخه‌ای از آن را در سال ۶۸ از دستبردهای داخل زندان نجات داده بود، در سال‌های اخیر، یعنی از سال ۷۳ به بعد نیز سلسله مطالب مختلفی را علاوه بر "سخنی با همه توده‌ای‌ها" نوشته و پخش کرده است. مطالبی که یکی از آنها به تحلیل رویدادها در ماه‌های پیش از انتخابات ریاست جمهوری بازمی‌گردد و ما امیدواریم بدان دست باییم. در حقیقت، کیانوری انسان مبارزی بود، که از کوچک‌ترین فرصت‌ها برای بازسازی دوباره حزب و ارائه راه حل‌های مورد نظر خود و روشنگری پیرامون رویدادهای ایران و دلائل ضربه به حزب توده ایران و انقلاب ۵۷ تا آخرین لحظات حیاتش استفاده کرد و برای تأثیرگذاری بر جنبش کنونی مردم نیز تا آخرین دم حیات کوشید!

بسیاری از مطالبی که در تحلیل سال ۷۳ کیانوری و بعنوان خواست‌های جنبش رو به رشد مردم ایران برای دفاع از آرمان‌های واقعی انقلاب بهمن ۵۷ مطرح شده بود، امروز بعنوان شعارهای جنبش مدنی در ایران مطرح است! همه آنها که به موقع نتوانستند مفهوم و استدلال "سخنی با همه توده‌ای‌ها" را درک کنند، هنوز هم منتظر شکست خاتمی، شکست جنبش و غلبه جناح راست بر جامعه هستند تا به نرخ روز موضع‌گیری کنند و مدعی درستی سیاست "تحریم" شوند! از این عده باز هم می‌توان دعوت کرد تا فارغ از تنگ‌نظری‌های مهاجرتی یکبار دیگر این تحلیل را خوانده و ضمن مقایسه آن، با آنچه که در انتخابات مجلس پنجم، انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم و جنبش رو به اوج کنونی و روند انتخابات مجلس ششم در داخل کشور گذشت و می‌گذرد، با خویش عهد ببندد که از این پس، پیش از آنکه در جستجوی کشف توطئه برآیند، به محتوای آنچه که طرح می‌شود توجه کنند!

در همین تحلیل، کیانوری در سال ۷۳، زمانی از "جبهه ارتجاع" سخن به میان آورد، و نوشت این جبهه (رسالت، حجتیه، موفله اسلامی)، پنهان از افکار عمومی، با تمام قدرت در پی کسب قدرت انحصاری در جمهوری اسلامی است، که هنوز هیچ نیروئی حتی مذهبیون تحول‌خواه کنونی در جمهوری اسلامی - مضمونی بنام "انحصارطلبان" و "تمامت‌خواهان" را طرح نکرده بودند.

وقتی در همین تحلیل - پیش از انتخابات مجلس پنجم و شکل‌گیری تشکل "کارگزاران" - و بویژه در قسمت کارپایه آن، پیشنهاد تشکیل یک "جبهه متحد ضد ارتجاع" عنوان شد، بسیاری نتوانستند تضادهای درونی بورژوازی ایران را ببینند. روزگار چندان به درازا نکشید که "کارگزاران سازندگی" شکل گرفت و مستقیماً در انتخابات مجلس پنجم شرکت کرد. روندی که اکنون سیر تکاملی خود را با ورود احزاب، تشکل‌ها و جبهه‌های ادامه داده است.

نقل از ویژه‌نامه "راه توده" آذرماه ۱۳۷۸